محمّد صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، پیامبر رحمت و عدالت

(این مقالهٔ کوتاه را به خواهش یکی از دوستان برای معرّفی پیامبر ارجمند اسلام (ص) به مردم غرب نوشتم تا به‌زبان انگلیسی ترجمه شود و سپس به نظرم رسید که آن را در دسترس خوانندگان پارسی‌زبان نیز قرار دهم. باشد که به ویژه نوجوانان در شناسایی پیامبر راستین اسلام از این مختصر بهره گیرند)

۱۳۷۹ هجری قمری . م ـ طباطبائی

از میان کسانی‌که در ایجاد نهضتهای عظیم تاریخ بسیار مؤثّر بوده‌اند، یکی «محمّد» پیامبر اسلام ﷺ است. عربستان پیش از ظهور محمّد ﷺ هرگز حکومت واحد و قدرتمندی به خود ندیده بود و مفهوم «دولت» برای اعراب پراکنده که هردسته از شیخ قبیلهٔ خود اطاعت می‌کردند تازگی داشت. دین عرب، آئین بت پرستی محض بود. معبد کهن و مشهوری‌که به‌نام «کعبه» در شهر مکّه وجود داشت، جایگاه طواف و نیایش قبائل عرب و مملوّ از بت‌های متعدّد و گوناگون بود. کعبه گاه و بیگاه شاهد زنانی می‌شد که برای زیارت معبد می‌آمدند و به گونه‌ای عریان، بر گرد آن می‌چرخیدند و شعر می‌خواندند!! اشراف عرب، مردم حریص و فاسدی بودند که نظام رباخواری و برده‌داری را در میان عربها اداره می‌کردند و کنیزان خودرا به منظور افزایش ثروت خویش به زور و جبر به فحشاء می‌گماردند! زنان، چون قدرت هنرنمایی در کارزار نداشتند و از این بابت دفاع ازقبیله را نمی‌توانستند عهده‌دار شوند اغلب از سهم الإرث محروم بودند و گاهی خودشان از یک مرد، به مرد دیگری به عنوان «میراث» انتقال می‌یافتند. قساوت، چنان عرب جاهلی‌را درخود گرفته بودکه دختران‌را ننگین و مایهٔ بی‌آبرویی پدر می‌شمردند و گاه و بیگاه دخترکان بی‌گناه را زنده به گور می‌کردند! درعربستان عدّه‌ای یهودی دور از مکّه ـ زادگاه محمّد ـ زندگی می‌کردند و نیز در ناحیهٔ نجران، مسیحیان می زیستند ولی هیچ‌کدام نتوانسته بودند عربها را جلب کنند و تأثیر مهمّی از نظر عقاید دینی و اخلاقی در آنها به جای گذارند بلکه خود در اوهام و خرافات فرو رفته بودند!

در چنین شرایطی، محمّد ﷺ مقارن سال ۵۷۰ میلادی در شهر مکّه چشم به جهان گشود، پدرش «عبدالله» که به کار خرید و فروش می‌پرداخت دو ماه پس از تولّد یگانه فرزند خود، زندگی را وداع گفت. و مادر وی «آمنه» نیز تقریباً پس از دو سال که از میلاد او گذشت وفات یافت. محمّد ﷺ دوران کودکی را با تلخی یتیمی گذراند و روزها را به چوپانی در صحراهای عربستان سپری می‌کرد و هیچگاه به مکتب و مدرسه نرفت و خواندن و نوشتن را نیاموخت. او کمتر از زادگاه خود (مکّه) بیرون می‌رفت. در سنّ ۲۵ سالگی با بیوه‌زنی به نام «خدیجه» که ۴۰ سال داشت پیمان زناشویی بست و تا هنگامی‌که

او زنده بود همسر دیگری اختیار نکرد و از آنجا که خدیجه زنی مالدار بود محمّد ﷺ از زحمت معاش آسوده گشت. محمّد ﷺ پیش از دوران نبوّت از دیدگاه اخلاقی مورد توجّه مردم مکّه بود و او را به خاطر راستگویی و امانتش «محمّد أمین» لقب داده بودند.

در نزدیک ٤٠ سالگی رؤیاهای صادقانه به سوی محمّد ﷺ آمدند و در سال چهلم از عمرش شبی در کوهی نزدیک مکّه برای نخستین بار فرشتهٔ خداوند را رؤیت کرد! و او را دید که از افق اعلای آسمان نزول می‌کند. فرشتهٔ خدا به محمّد که نه کتابی خوانده بود و نه آموزگاری دیده بود، فرمان خواندن «کتاب خدا» را داد! نخستین آیاتی که بر محمّد ﷺ در آن شب نازل گشت، این آیه ها بود:

﴿ٱقۡرَأۡ بِٱسۡمِ رَبِّكَ ٱلَّذِي خَلَقَ ۝١ خَلَقَ ٱلۡإِنسَٰنَ مِنۡ عَلَقٍ ۝٢ ٱقۡرَأۡ وَرَبُّكَ ٱلۡأَكۡرَمُ ۝٣ ٱلَّذِي عَلَّمَ بِٱلۡقَلَمِ ۝٤ عَلَّمَ ٱلۡإِنسَٰنَ مَا لَمۡ يَعۡلَمۡ ۝٥﴾

یعنی:

بخوان به نام خداوندت که آفرید! انسان را از لخته خونی[1] آفرید. بخوان! و خداوندت کریم‌تر از همه است. آنکس که با قلم آموخت! به انسان آنچه ندانست آموخت.

پس از این، در طی بیست و سه سال، شب و روز و در سفر و حضر، فرشتهٔ خداوند بر محمّد ﷺ فرود می‌آمد و او را به خواندن مجموعه‌ای که اینک کتاب مقدّس مسلمین شمرده می‌شود و «قرآن» نام دارد برمی‌انگیخت. محمّد ﷺ که خود نمی-توانست بنویسد، آن‌کلمات را به یارانش املاء می‌نمود و آنها بر استخوان حیوانات و برگ درختان می‌نوشتند سپس از روی آن‌نوشته‌ها، نسخه ها ترتیب داده شد.

تعالیم قرآن از آغاز دعوت، بر بنیاد یکتاپرستیِ خالص استوار بود. جهان از دیدگاه قرآن، نظام واحد و هماهنگی را نشان می‌داد که نمایندهٔ یک مشیّت حاکم و قاهر شمرده می‌شد. بنابراین به نظر قرآن جایی برای خدایان و مشیّت‌های پراکنده و مستقلّ در نظام گیتی وجود نداشت(۱). در منطق قرآن آفرینش به سوی آینده‌ای که «رستاخیز بزرگ» باشد

---

[1] - عَلَق (جمع علقه) بمعنای " آویزه ای " که به جدار رحم می چسبد نیز آمده است.

در پیش بود[۲] و در این میان انسان بیش از همهٔ موجودات زمین و آسمان، مسئولیّت داشت و یا به تعبیر قرآن: بار أمانت إلهی را انسان بدوش می‌کشید[۳]!

به نظر قرآن، ظهور أدیان برای هدایت بشر به حکمت کلّی آفرینش و پاک کردن نفس از رذائل اخلاقی[٤] و ایجاد عدالت اجتماعی[٥] صورت پذیرفته بود ولی پیروان مذاهب همواره از تعالیم نخستین فاصله گرفته و راه اختلاف و تفرقه را پیش کشیده بودند[٦] و محمّد ﷺ آخرین پیامبری بود[٧] که برای اصلاح ادیان و رفع اختلافات آنها[٨] و همچنین برای به اتمام رساندن مکارم اخلاق[٩] فرستاده شده بود. محمّد ﷺ با بت-پرستی سخت درافتاد و این‌کار را نشانهٔ انحطاط انسان شمرد. تثلیث، از دیدگاه قرآن باطل بود[١٠] و هیچ پیامبری جُز به خدای یگانه دعوت نکرده بود[١١].

قرآن راهبان و علمای مذهبی را که تودهٔ مردم را به انسان‌پرستی وادار کرده بودند[١٢] و اموال ایشان را به ناحقّ می‌خوردند[١٣]، سخت محکوم کرد. تبعیض نژادی از دیدگاه قرآن به کلّی نادرست بود و همهٔ افراد بشر، از مرد و زنی آفریده شده و همریشه بودند و هیچ-کس بر دیگری جُز در سایهٔ تقوی آنهم به نزد خدا، برتری نداشت[١٤].

محمّد ﷺ سفارش می‌کرد که «دانش‌جویی بر هر مسلمانی واجب است»[١٥] نظر قرآن دربارهٔ «ثروت» این بود که: ثروت نباید تنها در دست اغنیاء بگردد[١٦] بلکه باید در تمام طبقات جریان یابد و تقسیم شود. قرآن برای زنان، چون مردان، حقوقی نهاد[١٧] و از ظلم و اجحاف به ایشان جلوگیری کرد. از نظر قرآن یکی از شرایط عبور از گردنه‌های سخت تکلیف و ورود به بهشت، آزاد کردن بردگان بشمار آمد[١٨].

رویهمرفته قرآن بزرگترین معجزهٔ محمّد ﷺ بود زیرا با اینکه محمّد سواد نداشت کتابی آورد که از مباحث مربوط به إلهیّات و طبیعت و حیات و قوانین حقوقی و قواعد اخلاقی و عقاید ملل و داستانهای پیامبران و حوادث پس از مرگ و پیشگویی‌های درست، و مباحث دیگر آکنده بود و این‌همه با اسلوبی که نه به شعر می‌ماند و نه به نثر، ادا شده بود! و از حیث زیبایی الفاظ و جلوهٔ معانی و پاکی تعالیم و دور بودن از تناقض، در آن حدّ بود که تمام مخالفان دعوت شدند تا به کمک یکدیگر حتّی یک فصل (یا

سوره) مانند آن را بیاورند و نمی‌توانستند! و به قول قرآن: هیچ‌گاه کسی نخواهد توانست[۱۹]!

در مکّه گروهی به محمّد ایمان آوردند که از آنجمله برخی از خویشان و نزدیکان او بودند. ولی از آنجا که مکّه، شهر مقدّس بت‌پرستان بشمار می‌رفت و هرسال قبائل عرب برای زیارت بت‌های خود به آنسو روی می‌آوردند از اینرو، اشراف مکّه منافع خود را به خاطر مبارزهٔ سرسختانهٔ محمّد ﷺ با بت پرستی، در خطر دیدند و نیز تعصّبی که در پیروی از پدران خود داشتند مانع از آن شد که مکّیان همگی دعوت محمّد را بپذیرند بلکه نسبت به او و یارانش بنای سخت‌گیری و بدرفتاری را نهادند. محمّد در این دوران‌ها سخت استقامت می‌کرد و اصحابش را به پایداری تشویق می‌نمود. درعین‌حال طوایفی را که هرساله به زیارت کعبه می‌آمدند به «اسلام» که دین خداوند بود می‌خواند. سرانجام پس از ۱۳ سال بردباری، محمّد ﷺ تصمیم به هجرت از مکّه گرفت و به تدریج یارانش و سپس خود او که در شب هجرت سخت جانش در خطر بود به شهر دیگری به نام «یثرب» حرکت کردند. اهالی شهر جدید که بیشتر آنها قبلاً به وسیلهٔ محمّد به خدای یگانه ایمان آورده و اسلام اختیار کرده بودند از محمّد ﷺ و نیز از یاران او که «مهاجرین» نامیده شدند استقبال گرمی نمودند. محمّد در یثرب که آنرا «**مدینة النّبیّ**» خواندند مسجدی بنا نهاد که مرکز تعالیم و پایگاه رهبری او شمرده می‌شد و میان مهاجرین مکّه و مؤمنان مدینه که «انصار» نامیده شدند، قرارداد «برادری» بست و جامعهٔ مؤمنین را تشکیل داد و چون در شهر جدید عدّه‌ای از یهودیان زندگی می‌کردند برای شهر مزبور قانونی نهاد که حافظ حقوق همهٔ مردم شهر باشد و با یهود مدینه پیمان همکاری و اتّحاد در برابر مشرکان منعقد کرد. و به دعوت قبائل مختلف عرب به سوی اسلام همّت گمارد. دیری نپایید که بت پرستان مکّه از نفوذ او بیمناک شدند و با سپاهی ۳ برابر سپاهیان محمّد ﷺ با او روبرو گشتند. در این جنگ که «نبرد بدر» نام دارد معجزاتی از محمّد ﷺ آشکار شد و مشت خاک و ریگی که او به سوی دشمنانش ریخت، طوفان عظیمی درپی آورد و به تعبیر قرآن «سپاهیان نامرئیِ خدا، به کمک مؤمنان

فروفرستاده شدند»[۲۰] و مشرکان به سختی شکست خورده کشته و اسیر شدند. محمّد با اسیران بدرفتاری نکرد و از بریدن اعضای پیکر کشته‌ها که عادت عرب بود جلوگیری نمود. از این به بعد پیاپی جنگهایی میان محمّد ﷺ و مشرکان مکّه و هم‌پیمان‌های آنان درگرفت که معروفترین این نبردها، جنگ اُحُد و احزاب (یا خندق) را باید شمرد و در بیشتر جنگها محمّد پیروز بود. سرانجام پیمان آتش‌بس میان او و مکّیان منعقد شد و چون مشرکان مکّه رعایت موادّ پیمان‌نامه را نکردند، محمّد ﷺ به مکّه حمله برد و آن‌شهر را به سهولت فتح کرد و بت‌ها را شکست و از کعبه بیرون ریخت و آن معبد بزرگ را برای پرستش خدای یگانه اختصاص داد و با وجود آسیب هایی که از مردم مکّه دیده بود فرمان قتل عام آنان را صادر نکرد بلکه ایشان را عفو کرد! و این‌کار او موجب شد که اهل مکّه از سر میل و رغبت و به قول قرآن: «گروه گروه در دین خدا داخل شوند»[۲۱]! پس از فتح مکّه، محمّد ﷺ با دیگر مشرکان نبرد کرد و یهود مدینه را که خیانت نموده و بر ضدّ او با بت‌پرستان هم‌آهنگ شده بودند کیفر داد و یهودیان را از دیار خود اخراج نمود و تقریباً سراسر عربستان را به تصرّف درآورد و حکومت واحدی بر بنیاد قوانین قرآن بنا نهاد.

پیامبران قدیم هر یک با معجزاتی ظهور می‌کردند ولی محمّد ﷺ ، خود معجزهٔ تاریخ بشمار می‌رود! او مردی بود که محصول کارش بیش‌از همهٔ مصلحین و پیامبران بزرگ بوده است. با وجود بی‌سوادی، بزرگترین فرهنگ دینی را تأسیس کرد! و با وجود اینکه کارمند هیچ دولت و حکومتی نبود، حکومتی نیرومند و پرقدرت تشکیل داد! و با اینکه سپاهیگری نکرده و رسم و آئین جنگ را نیاموخته بود، بزرگترین فرماندهٔ جنگی از کار درآمد. هم معلّم بود و هم رئیس حکومت و هم قاضی و هم قانونگذار و هم فرماندهٔ جنگ و هم خطیبی بزرگ و هم امام جماعت! با وجود این‌گرفتاری‌ها، زنان متعدّد را نیز در خانه داشت و همه را به بهترین صورت و در کمال رضایت اداره می‌نمود! و درعین حال، اهل زهد و پارسایی و شب زنده‌داری نیز بود و بهتر از همه عبادت می‌کرد! با اینهمه هیچگاه نخواست که پیروانش وی را از مقام بشری بالاتر بدانند و او را تقدیس و

پرستش نمایند بلکه سراسر تعالیمش از مخالفت با این اندیشه، آکنده است. به تصدیق دشمنانش پس از آنهمه فتوحات و قدرتی که بدست آورد، زندگی سادهٔ خود را تغییر نداد و در حشمت پادشاهان جلوه نکرد بلکه همواره خود را «بندهٔ خدا» می‌دانست که بدون ارادهٔ خودش مأمور شده تا پیام خدا را به خلق برساند. رسالت محمّد ﷺ چنانکه در قرآن آمده، ویژهٔ عرب نیست بلکه چون کاملترین رسالت إلهی است روی سخن با جهانیان دارد[۲۲]. زندگانی محمّد ﷺ سرمشق بزرگی است برای تمام مردمی که زندگی را در ایمان و تلاش و هدفداری جستجوی می کنند و به تاریخ انسان، امتیاز و معنی می-بخشند. محمّد ﷺ ۱۰ سال پس از هجرت، در مدینه در آغوش خانواده و یارانش وفات یافت.

فهرست آیات و احادیثی که در این مقاله به آنها اشاره شده است

۱- لَوْ كَانَ فِيهِمَآ ءَالِهَةٌ إِلَّا ٱللَّهُ لَفَسَدَتَا... (انبیاء: ۲۲)

۲- وَأَنَّ ٱلسَّاعَةَ ءَاتِيَةٌ... (حج: ۷)

۳- إِنَّا عَرَضْنَا ٱلْأَمَانَةَ عَلَى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ وَٱلْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَن يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا ٱلْإِنسَٰنُ... (احزاب: ۷۲)

۴- رَبَّنَا وَٱبْعَثْ فِيهِمْ رَسُولاً مِّنْهُمْ يَتْلُواْ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ... (بقره: ۱۲۹)

۵- لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِٱلْبَيِّنَٰتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ ٱلْكِتَٰبَ وَٱلْمِيزَانَ لِيَقُومَ ٱلنَّاسُ بِٱلْقِسْطِ... (حدید: ۲۵)

۶- فَتَقَطَّعُوٓاْ أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ زُبُرًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ (مؤمنون: ۵۳)

۷- مَّا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَآ أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَٰكِن رَّسُولَ ٱللَّهِ وَخَاتَمَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ... (احزاب: ٤٠)

۸- تَٱللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَآ إِلَىٰٓ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيْطَٰنُ أَعْمَٰلَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمُ ٱلْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَآ أَنزَلْنَا عَلَيْكَ ٱلْكِتَٰبَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ ٱلَّذِى ٱخْتَلَفُواْ فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (نحل: ٦٣ و٦٤)

۹- **بُعِثتُ لِاُتَمِّمَ حُسنَ الأخلاق.** حدیث نبوی (المُوطَّأ ـ جزء۲، صفحهٔ ۲۲۱)

۱۰- لَّقَدْ كَفَرَ ٱلَّذِينَ قَالُوٓاْ إِنَّ ٱللَّهَ ثَالِثُ ثَلَٰثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَٰهٍ إِلَّآ إِلَٰهٌ وَٰحِدٌ... (مائده: ۷۳)

۱۱-وَمَآ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ مِن رَّسُولٍ إِلَّا نُوحِيٓ إِلَيۡهِ أَنَّهُۥ لَآ إِلَٰهَ إِلَّآ أَنَا۠ فَٱعۡبُدُونِ
(انبیاء: ۲۵)

۱۲-ٱتَّخَذُوٓاْ أَحۡبَارَهُمۡ وَرُهۡبَٰنَهُمۡ أَرۡبَابًا مِّن دُونِ ٱللَّهِ... (توبه: ۳۱)

۱۳-يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ ٱلۡأَحۡبَارِ وَٱلرُّهۡبَانِ لَيَأۡكُلُونَ أَمۡوَٰلَ ٱلنَّاسِ
بِٱلۡبَٰطِلِ ... (توبه: ۳٤)

۱۴-يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّا خَلَقۡنَٰكُم مِّن ذَكَرٖ وَأُنثَىٰ وَجَعَلۡنَٰكُمۡ شُعُوبٗا وَقَبَآئِلَ لِتَعَارَفُوٓاْۚ إِنَّ
أَكۡرَمَكُمۡ عِندَ ٱللَّهِ أَتۡقَىٰكُمۡ ... (حجرات: ۱۳)

۱۵-**طَلَبُ العِلمِ فَرِيضَةٌ عَلى كُلِّ مُسلِمٍ.** حدیث نبوی (الجامِعُ الصَّغیر- جزء ۲، صفحهٔ ٥٤)

۱۶-كَيۡ لَا يَكُونَ دُولَةَۢ بَيۡنَ ٱلۡأَغۡنِيَآءِ مِنكُمۡ ... (حشر: ۷)

۱۷-وَلَهُنَّ مِثۡلُ ٱلَّذِي عَلَيۡهِنَّ بِٱلۡمَعۡرُوفِ... (بقره: ۲۲۸)

۱۸-فَلَا ٱقۡتَحَمَ ٱلۡعَقَبَةَ وَمَآ أَدۡرَىٰكَ مَا ٱلۡعَقَبَةُ فَكُّ رَقَبَةٍ (بلد: ۱۱و۱۲و۱۳)

۱۹-فَأۡتُواْ بِسُورَةٖ مِّن مِّثۡلِهِۦ وَٱدۡعُواْ شُهَدَآءَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ فَإِن
لَّمۡ تَفۡعَلُواْ وَلَن تَفۡعَلُواْ... (بقره: ۲۳ و۲٤)

۲۰-وَأَنزَلَ جُنُودٗا لَّمۡ تَرَوۡهَا... (توبه: ۲۶) و دربارهٔ پیکار«بدر» به آیات ۹و۱۰و۱۲سورهٔ انفال نیز بنگرید.

۲۱-وَرَأَيۡتَ ٱلنَّاسَ يَدۡخُلُونَ فِي دِينِ ٱللَّهِ أَفۡوَاجٗا (نصر: ۲)

۲۲-إِنۡ هُوَ إِلَّا ذِكۡرٞ لِّلۡعَٰلَمِينَ (تکویر: ۲۷) قُلۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنِّي رَسُولُ ٱللَّهِ إِلَيۡكُمۡ
جَمِيعًا (اعراف: ۱۵۸).

مدارک مقاله

قرآن کریم	کتاب مقدّس مسلمین
جامع البیان فِی تَأویلِ آیِ القُرآن	طبری
الأصنام	کلبی
سیرة النَّبَوِیَّة	ابن هشام
تاریخ الرّسل و الملوک	طبری
تاریخ الیعقوبی	یعقوبی
المُوَطَّأ	مالک بن أنس
المغازی	واقدی
الإتقان فِی عُلومِ القرآن	سیوطی